

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۲۳ جولای ۲۰۱۸

به جواب آقای نور احمد خالدی!

پیرامون عواقب کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲

جناب محترم خالدی صاحب، اول سلام تقدیم می دارم ثانیاً به اجازه شما محترم می خواهم چند عرض کوتاه خود را به ارتباط نوشته تان تحت عنوان (عواقب کودتا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲) که به تاریخ ۲۰۱۸/۲۰/۷ در وب سایت ملی[!!!] و وزین افغان – جرمن آنلاین و وب سایت سلطنت طلبان اقبال نشر یافته به حضور شما و خوانندگان گرامی تقدیم نمایم، امید وارم که این بگو مگوی من و شما به اندازه بگو مگوی سید خلیل الله هاشمیان تنزیل نیابد. من کوشش می کنم که در این نوشته خود احترام تان را نگاه دارم و اگر جزوی ترین بی احترامی را ببینم باز من هم مجبوراً بالمثل جواب خواهیم نوشت.

جناب محترم خالدی صاحب. علمای علوم اجتماعی تاریخ را چنین تعریف نموده می گویند. « تاریخ عبارت از داستان ارتقاء بشر از یک مرحله به مرحله دیگر. » پس به اساس این تعریف بشر و جوامع بشری در حال تغییر و تکامل است ، در آن جوامع بشری که در آنها تمدن بشری دیده شده حتماً در آن جوامع تحولات و نوسانات نیز به ملاحظه رسیده . انسانها و جوامع بشری همیشه تحول پذیر است، پس تحول ۲۶ سرطان نیز جزء تاریخ است که مولود شرایط عینی و ذهنی وقت خود یعنی دوران قبل از ۲۶ سرطان است.

این که شما بزرگوار می فرمائید که هفت ثور مولود کودتای ۲۶ سرطان است، پس ۲۶ سرطان را مولود کدام وقت و زمان می دانید ؟ دوران نادرخان، غازی امان الله خان، امیر عبدالرحمان خان و یا دهه نام نهاد دیموکراسی قلابی یا واضح بگویم دوره انارشی دهه به اصطلاح دیموکراسی خبیثه ، اگر شما بزرگوار از این حقیقت چشم پوشی کنید و بگوئید که نی ۲۶ سرطان مولود دهه نام نهاد به اصطلاح دیموکراسی نیست پس باید به حال شما تأسف نمود، ولی متیقن هستم که جواب شما بلی است. اگر بلی باشد پس لطفاً گپ سنجیده زن ای دوست محترم.

جناب محترم خالدی صاحب، حالا اجازه دهید تا من هم به حیث یک شاهد عینی دوران دهه دیموکراسی و جمهوریت داوودخان بالای نوشته شما یک تبصره کوچک داشته باشم.

امروز در افغانستان طرفداران سه نوع جریانهای مختلف العقیده آستین های خود را به خاطر کم جلوه دادن شهید والامقام سردار محمد داوود خان بر زده، گروپ اول اعضای حزب خلق و پرچم ، گروپ دوم اخوانی ها و گروپ

سوم آن عده افراد و اشخاصی که با اعلان نظام جمهوری امتیازات شخصی و فامیلی خود را از دست دادند، که نمونه اینگونه اشخاص اکثر نویسندگان و وب سایت آریانا افغانستان هستند که حاجت به معرفی نام آنها نیست. افراد و اشخاص این سه گروه متذکره در طول چهل و پنج سال گذشته امتحان خود را دادند که نمی خواهم به اعمال گذشته آنها زیادتیر تبصره نمایم. گویند چیزی که عیان است چی حاجت به بیان است.

جناب محترم آقای نور خالدی: شما در ماه می سال جاری از کشور استرالیا به شهر ویرجینیای امریکا تشریف آوردید، شما در وقت اقامت تان در ویرجینیا از یک دوست تان به نام نمره تیلفون جناب آقای فروع سابق معین وزارت پلان طلب نموده بودید آن دوست شما که برای من حیثیت برادر دارد به من تیلفون کرد و از من نمره تیلفون آقای فروع را که شما خواسته بودید گرفت، حتی من به آن دوست شما عرض نمودم اگر لطف نماید یک چاشت جناب خالدی به خاطر این که دوست شما است مهمان من شود خوش می شوم که آن دوست شما از من تشکری کرد، به هر صورت.

برادر محترم آقای خالدی صاحب. چار پنج ماه قبل من راجع به یک موضوع سفر آقای حامد کرزی به یکی از کشورهای اروپائی که آن سفر وی به خاطر جمع آوری کمک های بین المللی به افغانستان بود راجع به ماستر پلان شهر کابل که جزء پلان اقتصادی هفت ساله دوران ریاست جمهوری شهید داوودخان بود یک نوشته کوچک در دریچه نظر سنجی نوشته بودم شما بدون آن که به اصل مطلب من توجه کنید غیر مترقبه به شکل بسیار زشت و آمرانه نوشتید که غلام سخی نورزاد شاروال سابق زمان مرحوم داوودخان در آن پلان هفت ساله جمهوریت هیچ نقش نداشت، در آن نوشته صرف گناه من این بود که من باید واضح می نوشتم که ماستر پلان شهری شهر کابل که جزء پلان هفت ساله دوران طلایی اولین جمهوریت بود باید ذکر می کردم که نکرده بودم و شما در جواب آن نوشته من فقط به خاطر این که خود را به ما معرفی نمائید به یک لهجه تند نوشتید که من هم متقابلاً در نوشته خود به شما چیزی که می خواستم نوشتم، آن هر دو نظر در دریچه نظر سنجی موجود است.

جناب بزرگوار آقای خالدی. شما در نوشته مورخ ۲۰۱۸/۲۰/۷ که در بخش تحلیل های این وب سایت موجود است متذکر گردید و چنین وانمود ساختید، که شما بخش اقتصادی بیانیه افتتاحیه شهید سردار محمد داوودخان را در مراسم لویه جرگه قانون اساسی سال ۱۳۵۵ را نوشته اید. جناب محترم وقتی که من آن نوشته شما را خواندم تعجب کردم که چطور یک شخص تعلیم یافته به این اندازه سقوط شخصیت کند و دیده در ا باشد. من بعد از خواندن آن مقاله تان به جناب آقای فروع تیلفونی صحبت نمودم و طالب حقایق شدم، جناب آقای فروع تصریح و علاوه نمود: **که وزارت پلان آنوقت به غیر از ارائه ارقام پلان اقتصادی هفت ساله جمهوری یک کلمه در باره سیاست اقتصادی آن دوران ننوشته وی همچنان فرمود، که طرح سیاست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کار یک مأمور پائین رتبه وزارت پلان دولت جمهوری نیست بلکه طرح سیاست اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت کار شورا، وزیران و شخص رئیس جمهور است.** آقای خالدی به خاطر این درفشانی تان می خواهم توجه شما را به این مطلب جلب نمایم این که. سیاست اقتصادی دوران جمهوری شهید محمد داوودخان همان سیاست اقتصادی دوران صدارت وی بود، که در آن دوران شما شاید بیش از یک متعلم مکتب چیز دیگری نبوده باشید، لطفاً گپی که می زنید و یا چیزی که می نویسید سنجیده بگوئید و سنجیده بنویسید، نه این که خود را به خوانندگان و وب سایت ها حاتم بیگ معرفی نمائید.

جناب آقای نور خالدی. من از شما بزرگوار به میلیون مرتبه سپاس گزارم که شما مخالف نظر هممنظران درباری خود هستید. چرا که تا امروز اکثر درباریان سلطنت و شاه پرستان باغیرت، کودتا و یا تحول ۲۶ سرطان را مولود دست درازی کشور همسایه افغانستان اتحاد جماهیر شوروی وانمود می ساخت، من به این نظر واقع بینانه تان احسنت می

گویم. توجه نمائید به نوشته تان که در مقاله تان تحت عنوان عواقب کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ که به تاریخ ۲۰/۷/۲۰۱۸ در دو وب سایت به نشر رسیده سپاس گزاری می نمایم. شما در آن مقاله تان می نویسید.

« اما به عنوان یک مبصر و محقق سیاسی و تاریخی وظیفه خود میدانم تا آنچه را عواقب فاجعه بار کودتای داوودخان، که نقطه چرخش سیاسی در تاریخ افغانستان است، برای ثبت تاریخ و رهنمایی هموطنان در درک بدون تعصب، و غرض وقایع سیاسی و تاریخی ابراز نمایم. مسؤلیت پلانگذاری و اجرای این کودتا مربوط به شخص داوود خان است نه کدام کشور خارجی. » - [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]

برادر محترم حالا به عرایض چند هموطن تان توجه فرمائید، شما می نویسید:

« بیانیتهای نتایج و عواقب این کودتا را به طور خلاصه جمع بندی کنیم:

۱- در نتیجه این کودتا نظام شاهی بزور تفنگ توسط افسران وابسته به حزب دموکراتیک خلق و هواخواهان آنها به همکاری افراد بسیار نزدیک به داوود خان با پلانگذاری و قوماندان شخص داوود خان ساقط شد و بدینصورت

عمل ناپسند کودتای نظامی در کشور رواج یافت؛ » - [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]

جواب ۱- بلی برادر تمام کودتاها به زور برچه و تفنگ اجراء می گردد نه به جان و قربان، این که شما می گوئید که کودتای ۲۶ سرطان توسط هواخواهان حزب دیموکراتیک به وقوع پیوسته دور از حقیقت است و این گونه تبلیغات صرف از افراد عقده نئی که منافع خود را به پیروزی تحول ۲۶ سرطان از دست داده اند، است. در شب کودتای ۲۶ سرطان نه غلام حیدر رسولی، نه سید عبدالاله، نه قدیر نورستانی، نه غوث الدین فایق، نه پاچا گل وفادار و نه داکتر محمد حسن شرق عضویت حزب دیموکراتیک خلق را داشتند، پاچا گل وفادار به خاطر داشتن خانم خارجی از وظیفه وزارت کنار زده شد و جناب داکتر صاحب محمد حسن شرق به خاطر دوستی به بعضی از دوستان شخصی حزب پرچم از وظیفه معاونیت اول صدارت سبکدوش و به حیث سفیر به کشور جاپان فرستاده شد. این افراد فوق الذکر سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان بودند، تنها فیض محمد وزیری که وی عضو مخفی حزب پرچم بوده، بود در زمان سلطنت هیچ افسر نمی توانست علنی عضو حزب باشد به همین خاطر داوود خان و دیگر سرگروپهای تحول ۲۶ سرطان از عضویت وی در حزب پرچم واقف نبودند و هیچ نمی دانستند. یک عده افراد کودتاچی ۲۶ سرطان بعد از تحول ۲۶ سرطان عضویت حزب پرچم و خلق را کسب نمودند، عبدالحمید محتاط عضو حزب گروه کار ستم ملی بود که بعدها به حزب دیموکراتیک خلق جذب شده، عبدالقادر و ضیاء مجید نیز بعد از تحول ۲۶ سرطان به حزب دیموکراتیک جذب شده بودند. پس به این تشریح مختصر این ادعای شما که تمام سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان اعضای حزب دیموکراتیک بود یک ادعای پوچ و میان تهی است.

جناب محترم خالدی صاحب، محمد خان جلالر وزیر مالیه، داکتر نعمت الله پژواک وزیر داخله وزیران با قدرت دوران صدارت مرحوم شهید محمد موسی شفیق و نظام سلطنتی بودند، جیلانی باختری در زمان سلطنت رئیس احصایه بود، فیض محمد وزیری، ضیاء مجید، نبی عظیمی، صاحب جان خان، حبیب الله زرمتی ووو صاحب منصبان بسیار معتمد مقام سلطنت به خصوص جنرال سردار عبدالولی بودند که جنرال عبدالولی آنها را فرزندان خودش خطاب می نمود، تا زمانی که آنها از سلطنت دفاع می کردند افراد خوب و مسلمان بودند ولی وقتی که آنها نظام سلطنت را سرنگون کردند آنها افراد بد شدند. افسوس به این قضاوت شما.

دوم . شما می نویسید:

« ۲- نظام شاهی مشروطه پارلمانی متکی به قانون اساسی و دموکراسی ساقط شد و بجای آن یک رژیم دیکتاتوری یکفره متکی بر فرمان رییس دولت کودتا در کشور حاکم شد و نام آنرا جمهوری گذاشتند؛ » - **[نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]**

جواب ۲- خالدی صاحب بزرگوار، شخصی که صدراعظم را انتخاب کند، شخصی که در تقرر وزیران نقش اول داشته باشد، شخصی که انتخاب رئیس قوه قضایه را داشته باشد، شخصی که قانون احزاب را توشیح نکند و آن را در جعبه میز نگاه دارد، آیا این گونه فردی را شما یک فرد یکه تاز کشور نمی دانید، جای بسا افسوس است که یک شخص تعلیم یافته ، دوره ده ساله هرج و مرج که یکی از صدراعظمان آن دوره با صدای بلند می گفت: که سلطنت صدراعظم را کار ندارد بلکه یک پیش خدمت را کار دارد ، آیا این بدان معنی نیست که صدراعظم در مقابل شاه حیثیت و ارزش دو توت را نداشت، صدراعظم که پای های شاه را ببوسد، آیا می توان این دوره را به نام دیموکراسی یاد کرد. آیا فراموش کردید وقتی که عبدالستار شالیزی وزیر داخله از دست و کلای شورای ملی که در آنوقت شورای ملی صرف حیثیت یک ماشین داد و سند را به خود اختیار نموده بود از دست آن وکلای شورا وزارت داخله را رها و به شورای ملی رفت و به وکلای آن دوره گفت که شما به وزارت داخله بروید هر کدام شما در انجا می توانید به حیث وزیر داخله امر و نهی صادر کنید من به جای شما در شورای ملی به حیث وکیل می نشینم.

سوم. شما در فقره سوم نوشته تان چی مقبول می نویسید توجه نمائید به نوشته پر بهای تان.

۳- «تحول ۲۶ سرطان نه تنها هیچ تحول مثبت در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم و کشور بوجود نه آورد بلکه برعکس **» [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]**

مردم افغانستان را از تمام دست آوردهای سالها مبارزات اجتماعی و سیاسی محروم ساخت.

جواب ۳- شما چقدر ظالمانه و مغرضانه می نویسید ، که با تحول ۲۶ سرطان در وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور هیچ تغییری در حیات اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان به وجود نیامد!

آه، و افسوس به اینگونه تحلیل های عقده ئی چپی های سلطنت طلب باید کرد، جناب خالدی گرانقدر شما راستی به این عقید هستید و یا خود را در کوچه حسن چپ می زنید، اگر واقعاً به این عقیده هستید من به حال شما میلیون بار تأسف می کنم، برادر گل، پروژه تلویزیون، اعمار پروژه خط آهن، سروی و دیزاین صدها پروژه عام المنفعه احداث سرک حلقه ئی، مس عینک، کان حاجیگک، ماستر پلان شهر کابل و به خصوص بلند رفتن نرخ افغانی در مقابل اسعار خارجی ووو تمام شان دست آورده های نظام جمهوری بود، اگر نبود این شما بودید که به ملت و مردم افغانستان دروغ گفتید که در پلان هفت ساله این گونه تغییرات وقوع خواهند یافت. برادر بیانیه نویس عزیز و گرامی. ای مرد دانا یا عاقلانه بنویس و یا خاموش باش . و از این زیادتز خود را در انظار مردم کم جلوه ندهید.

خوانندگان گرامی ، لطفاً توجه نمائید به سوالهای چهارم، پنجم، ششم، هفتم ، هشتم ، نهم و دهم. جناب آقای خالدی صاحب؛ ایشان چنین می نویسند.

چهارم. مقام صدارت که در برابر پارلمان مسول بود لغوه شد. - [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]

پنجم. پارلمان لغو شد.

ششم، استقلالیت قوه قضا لغو شد.

هفتم. آزادی مطبوعات لغو شد.

هشتم. به لغوه مقام صدار عظم، پارلمان، لغوه استقلالیت قوه قضایه و لغو آزادی مطبوعات تمام ارگانهای دولت در دست یک نفر تمرکز نمود.

نهم. استقلالیت پوهنتونها در انتخاب ریس پوهنتون و روسای پوهنخی ها بر اساس انتخابات ازادانه کدرهای علمی پوهنتونها و پوهنخی ها لغوه شد.

دهم. اتحادیه استادان لغوه شد، اتحادیه محصلین لغو شد، آزادی اجتماعات لغو شد. - [نقل های قول از بند چهارم الی دهم ویراستاری نشده است- پورتال]

جواب ۴- جناب محترم خالدى، با سرنگونی رژیم استراحت طلب و بیکاره دهه دیموکراسی قلابی، صدارت سلطنتی اتوماتیک لغو می شود با آمدن نظام جمهوری مقام صدارت نه به شکل سلطنتی بلکه به شکل متحرک آن، شخص رهبر تحول ۲۶ سرطان ان را به پیش می برد، فرق بین صدراعظمان دهه نام نهاد دیموکراسی قلابی دولت سلطنتی که صدراعظمان آنوقت بوتهای پاچا یعنی شاه را می بوسیدند با صدراعظم جمهوری زمین تا آسمان فرق داشت. صدراعظمان شاهی بیکاره ولی صدراعظم دولت جمهوری پرکار و زحمت کش بود، اینست فرق فاحش بین صدراعظمان سلطنتی و جمهوری.

جناب آقای خالدى دوست دانشمند و محترم! در دوره دهه نام نهاد به اصطلاح دیموکراسی کدام صدراعظم به پارلمان مسؤول بود کدام پارلمان صدراعظم دوران سلطنت را سلب اعتماد نموده، تقرر و عزل صدراعظمان را شخص اول مملکت یعنی سلطنت انتخاب و انتصاب می کرد، ولی وقتی که مظاهرات مردم زیاد می شد شاه مجبور می شد که صدراعظم را سبکدوش سازد. نه پارلمان.

جواب ۵- در تمام جهان وقتی که یک نظام چی آن نظام شاهی باشد یا جمهوری وقتی که سرنگون می شود بدون چون و چرا پارلمان آن نظام نیز از بین می رود و لغو می گردد. شاید کدام کشور استثنائی باشد که نظام شان تغییر نموده باشد و پارلمان شان به حال سابق پا برجا باشد. بلی با آمدن نظام جدید جمهوری پارلمان نام نهاد به نام شورای ملی که در آنوقت حیثیت ماشین داد و ستد راداشت از بین رفت و باید هم از بین می رفت

جواب ۶- کدام استقلالیت قوه قضائیه، آیا رئیس قوه قضائیه از طرف پارلمان انتخاب می شد یا از طریق فرمان سلطنت. شما بزرگوار باید فرق بین انتخاب و انتصاب را نزد خود داشته باشید. در وقت سلطنت قوه قضائیه در کدام موضوع مهم ملی استقلالیت خود را تبارز داده؟ لطفاً به ما شریک سازید.

جواب ۷- خنده آور این که شما میگوئید با آمدن نظام جمهوری آزادی مطبوعات لغو شد، کدام آزادی مطبوعات در زمان سلطنت، به غیر از چند روز آزادی مطبوعات در دوران صدارت شهید نوراحمد اعتمادی، آیا در دوران صدارت داکتر یوسف خان، محمدهاشم میوندوال پردیس سمرقندی، داکتر عبدالظاهر و شهید محمد موسی شفیق آزادی مطبوعات وجود داشت؟ افسوس و میلیون بار به اینگونه ارشادات جناب عالی شما. من چپ من گنگه.

جواب ۸ - وقتی که شاه یک کشور رئیس قوه اجرائیه یعنی صدراعظم را ، وزراء را ، رئیس قوه قضائیه را ، رئیس قوه مقننه یا رئیس هر دو مجلس یعنی شورای ملی و مشرانو جرگه را انتصاب نماید اتماتیک موضوع استقلالیت این سه قوه فوق الذکر از بین میرود. لطفاً در چشمان ما مردم و نسلهای آینده خاک نیندازید. **جواب ۹-** آیا در زمان سلطنت انتخابات رئیس پوهنتون کدام دردی را دوا کرده است ، اگر کرده برایم گفته می توانید کدام درد ، آیا فراموش کردید که در زمان سلطنت پوهنتونها مراکز زور آزمائی احزاب چپ و راست گشته بود، آیا وضع تدریسی و علمی پوهنتونهای دوران دهه نام نهاد دیموکراسی قلابی از زمان جمهوریت داوودخان کرده بهتر و خوبتر بود؟ نخیر عزیز برادر، در این مورد شما باز هم مرتکب اشتباه مکرر شده اید. **جواب ۱۰-** آیا اتحادیه استادان و محصلان آنوقت کدام رول مثبت در هرج و مرج پوهنتونها به نفع تدریسی محصلین پوهنتون بازی کرده اگر کرده باشد کدام کار بهبودی در سطح تعلیمی پوهنتونها در انسجام نظم و دسپلین پوهنتونها و یا خود آنها باعث خرابی اوضاع تدریسی پوهنتونها گردیدند، جناب عالی از برکت آن اتحادیه های بی مسؤولیت بودند که مراکز آموزش علم و دانش را به مراکز زور آزمائی تبدیل کردند. جناب نور خالدي صاحب ، هیچ تصور نمی کردم که شما به این اندازه یک شخص سطحی نگر و عقده ئی درباری باشید. شما محترم در فقره یازدهم مینویسید: **۱۱- کودتای ۲۶ سرطان شیرازه تاریخی نظام دولت افغانستان را برهم ریخت و به تمام عناصر مخالف این نظام از یک طرف فرصت سرنگونی آنرا میسر ساخت و از جانب دیگر راههای پیروزی و امید پیروزی را فراهم ساخت.** [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]

جواب ۱۱- آقای خالدي شما از من بیچاره کرده خوبتر و بهتر می دانید که رژیم سلطنتی یک رژیم موروثی و خلاف اصول مقدس اسلامی است، اما به عکس نظام جمهوری برابر به اصول و ارشادات مبارک اسلامی و دیموکراسی است، در نظام جمهوریت هر کس که لیاقت خود را تبارز دهد می تواند رهبری کشور را به دست گیرد. آقای نور خالدي، این مرحوم سردار هاشم خان و شهید سردار محمد داوودخان بودند که عمر نظام سلطنتی را در دوران صدارت خود طولانی تر ساختند. احیاناً اگر این دو شخصیت فداکار و پرکار نمی بودند ریشه های سلطنت را شصت هفتاد سال قبل مردم از بیخ و بنیاد می کشیدند ، قلع قمع می کرده نظام سلطنتی را به گودال تاریخ می سپردند. شما در پرگراف دوازدهم چی عجیب می نویسید. **۱۲- رژیم کودتا به سرکوب خونین مخالفین بالقوه و بالفعل دست زد که تعداد زیاد افراد قربانی این سرکوب شدند.** [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال] **جواب ۱۲-** من میلیون بار افسوس می کنم به اینگونه استدلال های ناعقبت اندیشانه تعلیم یافته های کشور خود. جناب آقای خالدي، در طول دوره چهار سال و نه ماه ریاست جمهوری شهید داوودخان به غیر از شش نفر متهمین قضیه کودتای محمد هاشم میوندوال و شش نفر از اخوانی هائیکه در حالت جنگ همراه قوای امنیتی و نظامی و یا توسط مردم عوام در اغتشاشات اخوانیها در لغمان سرخ رود ، پنجشیر و بدخشان که به دستور مستقیم آئی اس آی پاکستان راه اندازی شده بودند و آن اغتشاشیون توسط قوه امنیتی و مردم عوام ناکام گردید و بعضی افراد عامل آن شورش دستگیر و به پنجه قانون سپرده شدند ، دولت جمهوری یک فرد آنها را به جرم اغتشاش علیه حکومت آنوقت اعدام نکرد ، ولی وقتی که آنها در محبس دهمزنک که می خواستند از محبس فرار نمایند به امر محکمه امنیت ملی اعدام نمودند ، مولوی حبیب الرحمان که در ولایت لغمان همراه شب نامه های که آن شب نامه ها از طرف سازمان جهنمی آئی اس آی نظر به مصاحبه جنرال بابر پاکستانی که در یوتوپ موجود است بالفعل گرفتار و بعد از حکم محکمه اعدام گردید، در سال ۱۳۵۵ یا ۱۳۵۶ صوفی غلام حضرت کلکانی با برادرش محی الدین که وی به ضد دولت جمهوری درعلاقه داری کلکان که پسر مرحوم ملک بابا کنری به نام گل محمد علاقه دار آنجا بود اغتشاش نموده بود ، صوفی غلام حضرت و برادر وی یک عسکر پولیس علاقه داری کلکان را به شهادت رسانده بود، آنها به حکم محکمه جرایم اختصاصی پولیس در محبس دهمزنک اعدام

شدند، این که شما بزرگوار می گوئید که تعداد زیاد افراد قربانی این سرکوب شدند بزرگ منشی شما است. مبالغه هم حد و اندازه دارد.

سؤال سیزدهم تان را در جواب دوازدهم ارائه نمودم. ۱۴ - در نتیجه این کودتا رهبران گروههای افراطی راست مذهبی مانند ربانی، گلبدین و مسعود از کشور فرار نموده به آغوش سازمان استخبارات نظامی پاکستان پناه بردند که نتایج فاجعه بار آن تا امروز ادامه دارد. [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال] جواب ۱۴- جناب آقای نور احمد خالدي. می دانم که معلومات شما در مورد فرار گروه برادران اخوانی تان بسیار سطحی است، شما شنده اید که علی آباد شهر است. برادر محترم. فرار گروه جوانان اخوانی پوهنتون کابل و پل تخنیک در قدم اول الزامیت قتل سیدال که مربوط جریان شعله جاوید بود، بالای آنها بود ، آنها به خاطر ارتکاب جرم قتل سیدال در دوران صدارت موسی شفیق گرفتار شده بودند آنها بعد از یک مدت کوتاه از حبس رهایی یافته بودند و دوباره به دروس خود در مؤسسات تعلیمی حضور رساندند، این گروه جوانان مسلمان پیش از پیروزی تحول ۲۶ سرطان که یک عضو این جوانان مسلمان محصل پل تخنیک کابل بود وی در ضمن ملای مسجد گردنه باغ بالا نزدیک سینما آریوب بود یکی از صاحبمنصبان دوران سلطنت که وی در آنجا زندگی می کرد کدام جنجال آنها بالای آذان وقت صبح داشتند، آن صاحب منصب به این محصل ملا بچه گفته بود که از طرف صبح وقتی که آذان می دهید لودسپیکر تان را خاموش سازید که من و اولادم از دست صدای بلند لودسپیکر خواب نداریم. آن ملا بچه محصل به گفته های آن صاحب منصب وقع نگذاشته جنگ در بین آنها رخ می دهد مردم آن منطقه در بین میانجگری می کنند، بعد از جنگ آنها روز دیگر یک عده محصلان اخوانی پوهنتون و پولی تخنیک به کمک این محصل ملا می شتابد و این صاحب منصب را چنان لت و کوب می کنند که آه در جان شان نمی ماند، کارهای خدائی بود، در شب کودتای ۲۶ سرطان این صاحب منصب نوکریوال قطعه خود است چون در آنشب اکثریت قطعات اردو بدون کدام عکس العمل تسلیم کودتا چیان می شود این افسر اردو هم در آنشب قطعه خود را تسلیم نموده و خود را در گروه کودتاجیان شامل و تنظیم نمود . چون در شب تحول ۲۶ سرطان وی قطعه مربوطه خود را به کودتاجیان بدون درد سر تسلیم نمود. وی بعد از پیروزی تحول ۲۶ سرطان یک رتبه ترفیع کرده. چون این افسر اردو دوست نزدیک پاچا سرباز که در آنوقت به حیث قومندان امنیه شهر کابل توظیف شده خود را شامل می سازد ، بعد از چند روز این افسر همراه موترهای نظامی کودتاجیان پشت این محصل که بعد از وقت ملا مسجد گردنه باغ بالا بود می رود تا وی را لت و کوب و یا محبوس سازد و انتقام خود را که یک وقت محصلان پل تخنیک و پوهنتون کابل این صاحب منصب را لت و کوب نموده بود بگیرد ، وقتی که این افسر عقب وی به مسجد می آید در اینوقت آن محصل یا آن ملا در مسجد نیست در پل تخنیک درس می خواند، یکی از باشندگان ان منطقه به عجله خود را به این محصل می رساند و برایش می گوید که پولیس در پی تعقیب تان است، به مجردی که این محصل از این موضوع واقف می گردد وی در آن واحد به تمام گروه اخوانی این پیغام را در پولتخنیک و پوهنتون می رساند. در این وقت بعضی افراد امنیتی پاچا سرباز قومندان امنیه ولایت کابل به همراه این افسر داخل محوطه پولی تخنیک می شود آنها در آنجا آن محصل را پیدا کرده نمی توانند یک دو نفر دیگری را که آن صاحب منصب در جنگ مشت و یخن شناسائی نموده بود همراه خود می برد بعد از آن پولیس به لیلیه پوهنتون می رود وقتی که یک عده محصلان از آمدن پولیس واقف می شوند یگان تای شان از کلکین های لیلیه پوهنتون خود را انداخته فرار را به فرار ترجیح داده و بعضی شان در همان لیلیه پوهنتون مخفی نموده و فردا راه گریز را اختیار نموده که در این جمله افراد آقایان نیز شامل بودند، آن افرادی که توسط پاچا سرباز گرفتار شده بودند بعد از یک مدت کوتاه رهایی یافتند و به دروس خود رفتند و یگان تای شان راه فرار را اختیار نمود. جناب آقای نور خالدي: این بود معلومات بنده در باره فراریان نهضت جوانان مسلمان

اگر شما از معلومات من کرده زیادت در دست دارید لطفاً بنویسید تا ما هم از ان مستفید گردیم. همچنان از برادران و نوات محترمی که در آن روزهای اول جمهوریت در جریان بودند صحت و عدم صحت گفته های بنده را رد یا تصدیق نمایند. چرا که اینگونه موضوعات جز تاریخ می گردد.

۱۴ ب- با استفاده از فرصت گروههای کمونیستی پرچم و خلق خود را جانشین منطقی رژیم کودتا دانسته مجدداً متحد شدند و برای بدست گرفتن قدرت آمادگی گرفتند و در نتیجه با اولین فرصت رژیم را ساقط کردن [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]

جواب ۱۴ ب - چی یک سؤال طفلانه صنف اول! بلی آقای خالدي. ما می دانیم حزب خلق و پرچم نه تنها به خاطر به دست آوردن قدرت سیاسی با هم ائتلاف کردند بلکه یک عده سلطنت طلبان نیز به حزب خلق و پرچم به خاطر بر انداختن حکومت کاری جمهوری داوودخان دستهای خود را به مخالفان راست و چپ شهید داوودخان یکجا ساختند و به ضد رژیم متری شهید داوودخان تبلیغات دروغین را به راه انداختند. که یکی از آن جمله افراد شخص شما هستید. شما در پراگراف ۱۵ چی ظالمانه می نویسید.

۱۵ - اگر تمام دستاورد دوران صدارت داوود خان تطبیق پلانهای پنجساله اول و دوم بود در دوره دموکراسی بعد از او نیز پلانهای پنجساله سوم و چهارم طرح و تطبیق شدند. [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال] جواب ۱۵- آقای خالدي هیچ تصور کرده نمی توانم که شما به حیث یک کارمند وزارت پلان چطور اینگونه قضاوت کوچک و ابتدائی می کنید. آقای خالدي محترم. بلی ما می دانیم که بعد از صدارت مرحوم محمد داوودخان پلان پنج ساله سوم و چارم طرح ریزی شد اما سؤال ما اینست که کدام است دست آورد ان پلانها، مطلب شما اگر طرح ریزی بالای صفحه کاغذ بوده باشد در آن مورد ما کدام اعتراض نداریم ولی اگر هدف شما کدام دست آورد باشد لطفاً بگوئید تا ما هم بدانیم ، تاجائی که ما می دانم پلان پنج ساله سوم و چارم به نسبت کسر بودیجه شش میلیارد افغانی به معرض اجراء قرار نگرفت. پولهای آن پلان در راه غیر مثمر حیف و میل شدند. با آمدن نظام جمهوری تنها ملیاردها افغانی که به نام مصارف سلطنتی، مارشال شاه ولی خان و تمام خاندان سلطنتی تخصی ص داده شده بود آن پول دوباره داخل خزانه دولت گردید و در راه خیر و رفاه مردم ستمدیده به مصرف رسید، به چور و چپاول بانکها خاتمه داده شد، پول قرضه های دولتی از افراد قرضدار در یک مدت کوتاه حصول شد.

محترم خالدي صاحب . به سؤال شانزدهم تان بسیار خندیدیم شما چی قسم معصومانه و طفلانه عقده درونی تان را مرفوع ساختید. شما می نویسید:

۱۶- رژیم کودتا ناگزیر بدست همان کودتاجیان اولی و رفقای آنها ساقط شد. [نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]

جواب ۱۶- در این هیچ جای شک و شبهه نیست که رژیم جمهوری جوان از طرف یک عده از همان کودتاجیان ۲۶ سرطان سرنگون شد، اگر در آنوقت بعضی از اعضای تحول ۲۶ سرطان از راه و روش سردار شهید عدول نمی کردند مطمئنم که فجایع بعدی که منجر به قتل و شهادت آن بزرگوار که به خاطر وطن از سرمایه قدرت خاندانی، از جان اولاد و دوستان خود گذشت ، هیچ به وقوع نمی پیوستند. ولی این را هم فراموش نکنید اگر مقام سلطنت ریشه خود را قلع و قمع نمی کرد، در مقابل به اعضای پرکار و مردم دوست خود اتکاء می نمود هیچ وقت تحول ۲۶ سرطان و جریانهای ما بعد به وقوع نمی پیوستند.

پایان

۲۰۱۸/۲۲/۷